

## آقا سید صادق طباطبائی

با یاد و خاطره مورخ انقلاب مشروطیت دکتر فریدون آدمیت

ساختار اجتماعی جامعه ایران در چند صده اخیر به گونه‌ای بوده که هریک از مجتهدان شیعی با استقلال عمل و بدون نیاز به کسب مجوز دولتی به تحریر و ثبت اسناد اقدام می‌کردند. اسناد محکمه آقا سید طباطبایی، جد اعلای خاندان طباطبائی، مربوط به سالهای ۱۲۸۴ و ۱۲۸۵ هجری قمری در زمره نسخ خطی گران سنگی است که از منظر تحقیقات و مطالعات اجتماعی و اقتصادی عصر قاجار بسیار با ارزش و در عداد منابع بکر محسوب می‌شود. این اسناد در دو کتابچه با کاغذ روسی و جلد چرمی اولی متضمن ۴۰۰ برگ، با ثبت بر ۶۰۰ برگ با سندی به تاریخ ۲۵ ذیحجه ۱۲۹۲ هـ ق برابر ژوئن ۱۸۷۶ میلادی آغاز شده است. در هر دو کتابچه بیش از چهار هزار قباله به ثبت رسیده که تاکنون چنین حجمی از اسناد مرتبط به این سالها در یک مجموعه کمتر دیده شده است.

این دو کتابچه موروثی سالیان دراز در کتابخانه شخصی نگارنده نگهداری می‌شد تا ابتدا به همت همکار محقق آقای امید رضائی مورد شناسائی قرار گرفت و پس از احراز اهمیت و اعتبار آن با توجه به قدمت، اصالت و تنوع اسناد تصمیم گرفته شد اسناد یکی از کتابچه‌ها شامل هشتصد و سی قباله برای استفاده اهل تحقیق و علاقه‌مندان پژوهش در دوره قاجار در شمارگان معدودی به چاپ برسد - اخیراً یکی از کتابچه‌های مربوط به شیخ فضل اله نوری نیز توسط نشر تاریخ ایران منتشر شده که مربوط به حد فاصل سالهای ۱۳۰۳ - ۱۳۰۶ هـ ق است. بنابراین اسناد محکمه آقا



نشر آبی

# اسناد محکمہ

مکتبہ اسلامیہ، جامعہ اسلامیہ، کراچی

## مجتہد عصر ناصری

مربوطات سالہای ۱۲۸۴ و ۱۲۸۵ ہجری قمری



شوشکاه علوم انسانی و مطالعات قرآنی  
پرتال جامع علوم انسانی

سید صادق طباطبائی قدیمی‌ترین اسناد از این دست است که برای نخستین بار انتشار می‌یابد. یادآور می‌شوم که هر دو کتابچه امروزه در «مان اسناد و کتابخانه ملی ایران حراست می‌شود. برای آشنایی بیشتر خوانندگان، شمه‌ای از مقام و موقعیت طباطبائی را در آن روزگار یادآور می‌شویم:

سید صادق، مجتهد بزرگ و نامدار عصر ناصری است که در عصر خود از نفوذ و اعتبار بسیار برخوردار بوده است. فریدون آدمیت در کتاب اندیشه ترقی می‌نویسد: «در طبقه روحانیون، آقا میرزا صادق عنوان «جناب آقا» داشت و ناصرالدین شاه او را به همان عنوان خطاب می‌کرد و یکی از چند علمائی بود که شاه به دیدن آنان می‌رفت و استخاره‌های خود را هم پیش آقا سید صادق می‌فرستاد.»

روزنامه شرافت در شماره ۶۴ محرم ۱۳۲۰ هـ ق با چاپ تصویری از آقا سید صادق می‌نویسد: «او مدت شصت سال در دارالخلافه تهران، بلکه تمام محروته ایران، رئیس بزرگ ملت محسوب می‌شد.»

در اینجا بی‌مناسبت نمی‌دانم که این نوشته را با ذکر خلاصه‌ای از مقاله مرحوم عبدالحسین مساوی اصلانی به نقل از راهنمای کتاب، شماره ۱۰-۸ آبان - دی ۱۳۴۹ صص ۶۴۴ - ۶۴۸ به مدیریت استاد ایرج افشار به پایان ببرم و برای همه درگذشتگان و سالکان رهرو طریقت آزادگی و مرورت، آرامش و شادی روح و روان مسئلت نمایم. با هم این مقاله را می‌خوانیم:

«در ضلع شمال غربی میدان حضرت عبدالعظیم در شهر ری بقعه و آرامگاهی است موسوم به «بقعه صادقیه» که آرامگاه خلد آشیان آقا سید صادق طباطبائی والد مرحوم آقا میرزا سید محمد طباطبائی از رهبران و بانیان مشروطیت ایران است. داستان چگونگی ایجاد آن بسیار شنیدنی است.

در زمان ناصرالدین شاه دو پسر عمو در خدمت دولت بودند - یکی یوسف مستوفی الممالک که منصب صدارت داشت و دیگری میرزا هدایت اله وزیر دفتر (پدر دکتر محمد مصدق) که در حقیقت وزیر مالیه بود. این دو بر سر ملکی واقع در راه قم بنام کهک با یکدیگر اختلاف داشتند و در هر فرصتی از ناصرالدین شاه تقاضای صدور فرمان مالکیت ملک بنام خود را می‌کردند، ولی شاه که به هر دو نفر عنایت داشت مایل بود موضوع را خودشان در عالم خانوادگی حل کنند. عاقبت او برای اینکه آن دو را از خود نرنجانند تذکر می‌دهد که باید به محضر آقا سید صادق که در جامعه آن روز مجتهدی بی نظیر و شهره به زهد و تقوا بود بروند تا هر حکمی که او صادر کند به مورد اجرا درآید. مستوفی الممالک بدنبال سخنان شاه، کیسه‌ای حاوی پنج هزار اشرفی همراه نامه‌ای برای آقا سید صادق می‌فرستد و خواهان صدور فتوا به نفع خود می‌شود. سید که انتظار

چنین عمل اهانت‌آمیزی از جانب صدر اعظم را نداشتن ضمن استرداد کیسه اشرفی‌ها به حامل آن می‌گوید پرو به صدر اعظم بگو اگر به پاس و احترام دوستی و نمک خواری نبود، جریان را به شاه و کسان دیگری که مقتضی می‌دانستم می‌گفتم و حیثیت و مقام او را متزلزل می‌کردم ولی چه کنم که وظیفه دوستی حکم می‌کند قضیه را مسکوت بگذارم و به اقتضای حق‌شناسی عمل کنم و فردای آن روز هم فتوای واگذاری ملک به هدایت اله وزیر دفتر را صادر می‌کند - در سال ۱۳۰۰ ه. ق که آقا سید صادق چشم از جهان فرو می‌بندد - صدراعظم که از کرده پشیمان و در صدد جبران مافات بود چون می‌دانست سید در اواخر عمر اظهار علاقه کرده بود پس از مرگ در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شود فوراً ترتیب تهیه محلی مناسب در شهر ری را می‌دهد و با احداث ساختمانی آبرومند آنجا را به آرامگاه سید صادق و سایر منسوبین خاندان طباطبائی اختصاص می‌دهند.<sup>۱</sup>



۱ - امروزه متأسفانه در اثر سوء نیت متولی و بی توجهی دولتیان از شکوه و جلال آرامگاه اثر چندانی باقی